

جبران خسارت معنوی در حقوق ایران

فخرالدین اصغری آقمشهدی*

چکیده

حقوق معنوی همواره برای بشر باارزشتر از حقوق مادی بوده است. با این حال، همیشه این سؤال مطرح بوده که آیا می‌توان در قبال تجاوز به حقوق معنوی مطالبه‌ی خسارت و پولی دریافت کرد. مقاله‌ی حاضر پس از نقد و بررسی دلایل مخالفین جبران خسارت معنوی، با استناد به اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قوانین عادی مختلف، رویه‌ی قضایی و قاعده‌ی لاضرر مطالبه‌ی خسارت معنوی را جایز می‌داند.

واژه‌های کلیدی:

خسارت، قاعده‌ی لاضرر، خسارت معنوی

مقدمه

خسارتی که در نتیجه فعل زیانبار فردی به دیگری وارد می‌شود ممکن است مادی و یا معنوی باشد. قابل جبران بودن خسارت مادی هرگز مورد تردید نبوده و امری مسلّم و حتمی است. از این رو، مقاله‌ی حاضر تنها به بررسی مطالبه‌ی خسارت معنوی می‌پردازد. علی‌رغم اهمیت و ارزش والای حقوق معنوی برای انسان و حتی با ارزشتر بودن آن از حقوق مادی همواره این سؤال مطرح بوده که در صورت مورد تعرض قرار گرفتن آن، آیا زیان دیده غیر از درخواست اعاده‌ی حیثیت، می‌تواند پولی دریافت دارد؟ مقاله‌ی حاضر در صدد پاسخگویی به سؤال مزبور است.

رتال جامع علوم انسانی

* استادیار دانشگاه مازندران.

در این ارتباط، پس از بیان مفهوم خسارت معنوی و رابطه‌ی آن با آسیب‌های جسمی به بررسی مسأله در حقوق ایران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود و بعد از نقد و بررسی دلایل مخالفان مطالبه‌ی خسارت معنوی، به ذکر دلایل جواز آن می‌پردازد.

تعریف خسارت معنوی

راجع به خسارت معنوی تعاریف گوناگونی از سوی حقوقدانان ارائه شده است که تا حدود زیادی با یک دیگر شباهت دارند:

۱- خسارت معنوی عبارت است از جریحه‌دار کردن و لطمه زدن به بعضی از ارزش‌ها که جنبه‌ی معنوی دارد.^(۱)

۲- خسارت معنوی عبارت است از ضرری که متوجه حیثیت، شرافت و آبروی اشخاص یا بستگان او (که بالتتبعه متوجه او شده باشد) گردد.^(۲)

۳- ضرر معنوی یعنی خسارت وارد بر متعلقات غیر مالی انسان نظیر روان، آبرو و جسم.

خسارت معنوی که می‌توان وارد کننده‌ی آن را محکوم به جبران کرد عبارت است از خسارت وارد بر حیثیت یا اعتبار و شخصیت و خسارت وارد بر جسم، روح و آزادی و به تعبیر ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی «هر حق دیگر».^(۳)

۴- خسارت معنوی زیانی است که به حیثیت یا عواطف و احساسات شخص وارد شده باشد. تجاوز به حقوق غیر مالی انسان، حتی لطمه زدن به احساسات دوستی، خانوادگی و مذهبی و نیز درد و رنجی که در نتیجه‌ی حادثه‌ای عارض شخص می‌شود، امروزه می‌تواند مجوز مطالبه‌ی خسارات معنوی باشد.^(۴)

رابطه‌ی خسارت معنوی با آسیب‌های جسمی

بعضی از مؤلفان حقوقی خسارت بدنی را در زمره‌ی خسارات وارده بر اموال ذکر کرده‌اند و آن را صرفاً مادی شمرده‌اند. زیرا، در تعریف خسارت مادی اظهار کرده‌اند: «خسارتی که به بدن شخص یا دارایی او وارد شده باشد مثل جراحت وارد کردن و

شکستن پنجره.»^(۵) در مقابل، بعضی از مؤلفان حقوقی^(۶) صدمات جسمی را صرفاً ضرر معنوی می‌دانند. هیچ یک از دو نظر مذکور درست به نظر نمی‌رسد و چنان که برخی دیگر^(۷) نوشته‌اند صدمات جسمی دارای هر دو جنبه‌ی مادی و معنوی می‌باشد. به عنوان مثال، پاشیدن اسید به صورت شخص، هم موجب خسارت مادی (هزینه‌ی درمان) و هم موجب خسارت معنوی (از دست رفتن زیبایی) می‌شود.

نقد و بررسی دلایل مخالفان جبران خسارت معنوی

دلایلی که برای عدم جواز مطالبه‌ی خسارت معنوی می‌توان ذکر کرد به شرح ذیل می‌باشد:

۱- ایراد نظری

اولین دلیل بر عدم جواز مطالبه‌ی خسارت معنوی این است که امکان جبران آن وجود ندارد^(۸) و پرداخت غرامت نمی‌تواند آن را از بین ببرد.^(۹) چگونه می‌توان درد جانکاه مادری را که فرزند خود را از دست داده است، جبران کرد و چگونه می‌توان با دادن مبلغی پول حیثیت بر باد رفته‌ی انسان شریفی را به او باز گرداند. در پاسخ به ایراد مزبور می‌توان گفت هدف مسئولیت مدنی زایل کردن ضرر نمی‌باشد. بلکه، هدف جبران ضرر است که به زیان دیده امکان داده شود در مواردی که به دست آوردن عین شیء مقدور نیست لاقلاً بتواند معادل آن چه را مورد خسارت واقع شده است، به دست آورد و بدین وسیله رضایت خاطرش فراهم گردد. شعبه‌ی ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^(۱۰) نیز در رأی خود صراحتاً به این نکته اشاره کرده و در محکومیت خوانده استدلال کرد «پرداخت مبلغی به عنوان خسارت اگرچه نمی‌تواند همواره این نوع ضررها را تدارک نماید ولی حسب مورد وسیله‌ای برای تشفی متضرر و تخفیف آلام و جبران بخشی از خسارت است.»

۲- ایراد عملی و کاربردی

ایرادی که از نظر عملی و قضایی مطرح شده این است که تعیین غرامت به وسیله‌ی قاضی در مورد خسارت معنوی امر فوق العاده مشکلی است.^(۱۱)

در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت گرچه مشکلاتی که قاضی در تعیین خسارت معنوی با آن‌ها مواجه می‌شود غیرقابل انکار است، این مشکلات غیرقابل رفع نیست.^(۱۲) به عبارت دیگر، گرچه ضابطه‌ی واحد و روشنی برای تقویم خسارت معنوی به پول وجود ندارد و باید به حسب مورد، اوضاع و احوال آن مورد را در نظر گرفت، مشکل بودن اجرای یک اصل حقوقی نباید بهانه‌ی برای فراموش کردن آن اصل شود. از طرفی، در خسارت‌های مادی نیز گاهی اوقات ممکن است تعیین میزان آن بسیار مشکل باشد آیا می‌توان گفت در چنین مواردی عامل زیان از پرداخت خسارت معاف است؟

۳- ایراد اخلاقی

از نظر اخلاقی زنده است افرادی که آبرو و حیثیت آن‌ها لطمه دیده است برای تبدیل این تألمات به پول به دادگاه مراجعه کنند (البته، این استدلال تنها مربوط به مورد جریحه‌دار شدن احساسات است).^(۱۳) در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت اگر اعتقاد به جبران خسارت معنوی با حفظ قداست ارزش‌های معنوی و معیارهای اخلاقی منافات داشته باشد عدم جبران خسارت معنوی و بدون مسؤولیت انگاشتن عامل ضرر معنوی نیز از لحاظ اخلاقی خوشایند نیست و عدم مسؤولیت عاملان زیان معنوی موجب بی‌پروا شدن آن‌ها و تجاوز بیشتر به ارزش‌های معنوی افراد می‌شود.

۴- نامشروع بودن جبران خسارت معنوی

یکی از شرایط قابل جبران بودن خسارت مشروع بودن آن است. از این رو اگر مشخص شود که جبران خسارت معنوی نامشروع است قابل مطالبه نخواهد بود. کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی در پاسخی به سؤالی راجع به مطالبه‌ی خسارت معنوی اعلام داشته است: «... مطالبه‌ی زیان معنوی فاقد مجوز شرعی است.»^(۱۴) شورای نگهبان نیز در خصوص تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۳۰ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ که مانند تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۴ قانون مطبوعات ۱۳۵۸ مطالبه‌ی خسارت معنوی را جایز اعلام کرده بود، اظهار داشت «... در تبصره‌ی یک ماده‌ی ۳۰

که طرح دعوی خسارت معنوی مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی به آن شده تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی مغایر موازین شرعی است. البته، رفع هتک و توهین که به شخص شده و به طریق متناسب با آن در صورت مطالبه ذی‌حق لازم است»^(۱۵) احتمال می‌رود علت غیرشرعی بودن جبران خسارت معنوی به پول از دیدگاه شورای نگهبان عدم پیش‌بینی آن در حقوق اسلام باشد. چنان‌که، برخی مؤلفان^(۱۶) به همین دلیل آن را جایز نمی‌دانند. در صورتی که عدم پیش‌بینی، دلیل بر حرمت و ممنوعیت نیست. چه بسا، عدم پیش‌بینی جبران خسارت معنوی به پول در صدر اسلام به دلیل عدم مرسوم بودن آن در عرف جامعه آن روز بوده است. ولی، امروزه پرداخت پول یکی از راه‌های مرسوم جبران خسارت معنوی است.

شورای نگهبان در خصوص ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته بود «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله‌ی دولت جبران می‌شود و چنان چه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده‌ی حیثیت او اقدام شود» در بند ۵ نامه‌ی ارسالی خود به مجلس شورای اسلامی نوشت: «در ماده‌ی ۵۸ که مطلب کلی اصل ۱۷۱ قانون اساسی نقل شده است لازم است مشروح‌تر و مشخص‌تر حکم موضوع ذکر شود و مخصوصاً در مورد خسارت معنوی و جبران آن که آیا به مال است یا چیز دیگر باید حکم قضیه صریحاً در قانون ذکر شود تا نسبت به آن اظهارنظر گردد.» کمیسیون قضایی مجلس از نظر فقهای شورای نگهبان در مورد خسارت معنوی با توجه به توضیحاتی که در کمیسیون داده شد مطلع گردید و در جهت رفع ایراد شورای نگهبان ماده‌ی ۵۸ را به صورت ذیل اصلاح کرد: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله‌ی دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنان چه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده‌ی حیثیت او اقدام شود.»^(۱۷)

با توجه به این که شورای نگهبان به صورت کلی مطالبه‌ی خسارت معنوی را خلاف موازین شرعی اعلام نکرده و از طرفی اصل ۱۷۱ قانون اساسی و برخی قوانین عادی به صراحت مطالبه‌ی خسارت معنوی را جایز می‌دانند و شورای نگهبان این قوانین را خلاف شرع اعلام نکرده است، باید گفت مطالبه‌ی خسارت معنوی در حقوق ایران جایز است. متن اصل ۱۷۱ و سایر قوانین در بحث دلایل جواز مطالبه‌ی خسارت معنوی خواهد آمد.

۵- ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸

به موجب ماده‌ی مذکور در فوق، ضرر و زیان قابل مطالبه عبارتند از:

- ۱- ضرر و زیان مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.
- ۲- منافعی که ممکن‌الوصول بوده و در اثر ارتکاب جرم مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود. چنان که ملاحظه می‌شود در این ماده به جبران ضرر و زیان معنوی اشاره نشده است. از این رو، ممکن است استدلال شود از آن جا ماده‌ی مزبور جایگزین ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق شده است که در آن صراحتاً به جبران خسارت معنوی اشاره شده بود. از طرفی، با توجه به ماده‌ی ۳۰۸ قانون مزبور که مقررات مغایر با این قانون را ملغی اعلام کرده است مقررات قانون مسئولیت مدنی مربوط به جواز مطالبه‌ی خسارت معنوی نسخ شده است.

در پاسخ به این استدلال چنان که برخی از مؤلفان حقوقی^(۱۸) نیز نوشته‌اند باید گفت حذف بند ۲ ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق با توجه به غیر شرعی اعلام نشدن قانون مسئولیت مدنی و در نتیجه بقای قانون مزبور دلالتی بر غیر قابل مطالبه بودن ضرر معنوی ندارد. زیرا، ممکن است هدف قانونگذار این بوده که با وجود قانون مسئولیت مدنی که یک قانون ماهوی است نیازی نیست که در قانون آیین دادرسی کیفری که یک قانون شکلی است قابل مطالبه بودن خسارت معنوی تصریح گردد. به استناد ماده‌ی ۳۰۸ نیز نمی‌توان مقررات قانون مسئولیت مدنی را در خصوص جبران خسارت معنوی منسوخ تلقی کرد. زیرا، در مقررات آیین دادرسی کیفری مطالبه‌ی خسارت معنوی نفی نشده است. مگر این که از ماده‌ی ۹ استنباط

شود که ضررهای قابل مطالبه منحصر در زیان‌های مادی و منافع ممکن‌الحصول است که صرف‌نظر از دور بودن این استنباط، از حذف ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم نمی‌توان نسخ مقررات قانون مسئولیت مدنی را در خصوص قابل مطالبه بودن خسارت معنوی پذیرفت.

دلایل جواز مطالبه‌ی خسارت معنوی

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در قانون مدنی هیچ اشاره‌ای به جبران خسارت معنوی نشده بود. حتی ماده‌ی ۱۰۳۶ قانون مزبور که در مورد خسارت ناشی از به هم زدن رابطه‌ی نامزدی بوده و از حقوق سوئیس اقتباس شده بود بر خلاف حقوق سوئیس فقط به لزوم جبران خسارت مادی اشاره داشت. اما در قوانین دیگر قانونگذار به صراحت حکم به لزوم جبران خسارت معنوی حکم کرد. به عنوان مثال، می‌توان به ماده‌ی ۲۱۲ مکرر قانون مجازات عمومی^(۱۹) (منسوخ)، ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری (منسوخ)، ماده‌ی ۱۳ قانون صدور چک ۱۳۵۵^(۲۰) (منسوخ) اشاره کرد. در ذیل به بیان دلایل جواز مطالبه‌ی خسارت معنوی می‌پردازیم:

۱- اصل ۱۷۱ قانون اساسی

به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله‌ی دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده‌ی حیثیت می‌گردد.» چنان که ملاحظه می‌شود قانونگذار بدون این که بین خسارت مادی و معنوی تفصیلی قائل شده باشد آن‌ها را قابل جبران دانسته است و از آن جا که از سوی شورای نگهبان تفسیری که مبین خلاف این استنباط باشد وجود ندارد، باید خسارت معنوی را قابل مطالبه دانست.

۲- تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۴ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸

به موجب تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۴ قانون مزبور، شاکی می‌تواند خسارت مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند. از آن جا که قانون مزبور به وسیله‌ی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نسخ شده و در ماده‌ی ۳۰ این قانون که جایگزین ماده‌ی ۲۴ شده است تبصره‌ی ۱ حذف شده است برای قابل مطالبه بودن خسارت معنوی نمی‌توان به قانون مزبور استناد کرد.

۳- قانون مسؤولیت مدنی

به موجب مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی خسارت معنوی قابل مطالبه است. گرچه قانون مزبور مصوب قبل از انقلاب بوده، از آن جا که نسخ نشده و مخالفت آن با موازین شرعی از سوی شورای نگهبان اعلام نشده است، هم چنان به اعتبار خود باقی است. به موجب ماده‌ی ۱ قانون مزبور هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه‌ی بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. ماده‌ی ۲ نیز مقرر می‌دارد: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید...». به موجب ماده‌ی ۸ نیز کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد، مسؤول جبران آن است. گرچه در این ماده به صراحت از خسارت معنوی نام برده نشده، بدیهی است که زیان به حیثیت از مصادیق خسارت معنوی است. ماده‌ی ۹ نیز مقرر می‌دارد دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر به هم خوابگی نامشروع شده، می‌تواند از مرتکب علاوه بر زیان مادی مطالبه‌ی زیان معنوی هم بکند. در نهایت، ماده‌ی ۱۰ مقرر می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد.»

۴- نظریه‌ی اداره‌ی حقوقی دادگستری

اداره‌ی حقوقی دادگستری در یک نظریه‌ی مشورتی^(۳۱) در سال ۱۳۶۵ اعلام داشته است: «مقررات مربوط به مطالبه‌ی ضرر و زیان مادی و معنوی از جمله ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ نشده و اصل ۱۷۱ قانون اساسی هم به این قبیل خسارات تصریح کرده است. بنابراین، مطالبه‌ی ضرر و زیان مادی و معنوی ناشی از جرم جنبه‌ی قانونی دارد.»

۵- رویه‌ی قضایی

دادگاه‌ها بعد از پیروزی انقلاب در موارد متعدد به جبران خسارت معنوی رأی داده‌اند. در ذیل به برخی موارد اشاره می‌شود:

یکم- شعبه‌ی ۱۸۱ دادگاه کیفری دو تهران^(۳۲) در موردی که شوهر به زوجه‌ی خود باکره نبودن را نسبت داد به درخواست زوجه او را به پرداخت مبلغ سیصد هزار ریال بابت ضرر و زیان معنوی محکوم کرد.

دوم- شعبه‌ی اول دادگاه حقوقی یک سقز در یک رأی خوانده را به پرداخت مبلغ هفت میلیون ریال بابت ضرر و زیان معنوی در وجه خواهان محکوم کرد. خواهان در دادخواست خود اظهار داشت که خوانده همسر او را اغفال و با ایجاد رابطه‌ی نامشروع و ارتکاب عمل منافی عفت و برملا شدن قضیه موجبات جدایی و متارکه‌ی رسمی زوجه را فراهم آورده و سبب گردیده که سه نفر طفل معصوم از حضانت و حمایت مادری محروم و کانون گرم خانواده متلاشی شود. نامبرده اضافه کرد که عمل خوانده چنان لطمه‌ای از نظر روحی و عاطفی به خود و بچه‌هایش وارد کرده که قابل تقویم و جبران نیست و ناگزیر شده که به منظور حفظ آبرو محل سکونت خود را بر خلاف میل باطنی ترک و به شهر دیگری برود. دادگاه خوانده را به پرداخت مبلغ هفت میلیون ریال محکوم کرد. بر اثر فرجام خواهی از حکم صادره از طرف وکیل خوانده، پرونده در شعبه‌ی سوم دیوان عالی کشور مطرح شد و شعبه‌ی مزبور در تاریخ ۷۶/۵/۲۹ حکم دادگاه بدوی را ابرام کرد.

سوم- شعبه‌ی سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در یک رأی^(۳۳) تجدیدنظر خوانده را به پرداخت مبلغ دو میلیون ریال بابت ضرر و زیان معنوی در وجه تجدیدنظر

خواه محکوم کرد. جریان دعوی به طور خلاصه چنین بود که بر مبنای درج مقاله‌ای از ناحیه‌ی تجدیدنظر خواه (خواهان بدوی- سردفتر) در یکی از روزنامه‌ها که در انتقاد از عملکرد سازمان ثبت نگاشته شده بود، تجدیدنظر خوانده که مسؤول روابط عمومی سازمان ثبت بوده است ضمن جوابیه‌ای مدعی می‌شود که سردفتر یاد شده به تنظیم سندی مبادرت کرده است که فروشنده‌ی آن در قید حیات نبوده و بدین وسیله منزل متوفی بدون اطلاع ورثه او به همسر دوم منتقل شده است. متعاقباً سردفتر مزبور در شکایت از خوانده به اتهام نشر اکاذیب برآمده و دادگاه او را به پرداخت مبلغ پنجاه هزار ریال جزای نقدی محکوم کرد. تجدیدنظر خواه به استناد دادنامه‌ی قطعی صادره و به ادعای این که اقدام تجدیدنظر خوانده به حسن شهرت او لطمه وارد کرده است در مقام مطالبه‌ی خسارت معنوی برآمد ولی دادگاه بدوی دعوی مطروحه را محکوم به بطلان اعلام کرد. در نتیجه، او از حکم دادگاه، تجدیدنظر خواهی به عمل آورد. دادگاه تجدیدنظر با استناد به قاعده‌ی لاضرر، اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قانون مسئولیت مدنی، قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۸/۱۰/۱۱، قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰، قانون مطبوعات مصوب ۶۴/۱۲/۲۲ و بند ۳ ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری و با توجه به این که مخالفت قوانین مزبور با موازین شرع احراز نشده است و پرداخت مبلغی به عنوان خسارت اگر چه نمی‌تواند همواره این نوع ضررها را تدارک نماید، ولی حسب مورد وسیله‌ای برای تشفی متضرر و تخفیف آلام و جبران بخشی از خسارت است؛ بنابراین، دعوی خواهان را وارد و موجه تشخیص و تجدیدنظر خوانده را به پرداخت مبلغ دو میلیون ریال بابت ضرر و زیان معنوی وارده به تجدیدنظر خواه محکوم و همچنین تجدیدنظر خوانده را به عذرخواهی از تجدیدنظر خواه مکلف کرد.

۶- قاعده‌ی لاضرر

از قاعده‌ی لاضرر نیز می‌توان لزوم جبران خسارت معنوی را استنباط کرد. البته، استنباط این امر از قاعده‌ی مزبور، متوقف بر اثبات دو امر است: اول این که، به خسارت معنوی ضرر صدق کند. دوم این که، قاعده‌ی لاضرر اثبات حکم نماید.

نسبت به امر اول بسیاری از فقیهان تصریح کرده‌اند که ضرر شامل ضرر معنوی نیز می‌شود. میرزای نائینی می‌نویسد: «ضرر عبارت است از فوت آن چه انسان آن را دارد خواه نفس باشد یا آبرو یا مال و یا اعضا... اگر آبروی انسان هتک شود می‌گویند متضرر شده است.»^(۲۴) فقیهی دیگر^(۲۵) در تعریف ضرر می‌نویسد: «ضرر مقابل نفع و عبارت است از نقص در نفس یا مال یا عضو یا آبرو.» برخی صاحب‌نظران^(۲۶) نیز آن را به معنای از دست دادن هر یک از مواهب زندگی اعم از جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که از آن بهره‌مند می‌شویم» تعریف کرده‌اند.

نسبت به امر دوم مبنی بر این که آیا قاعده‌ی لاضرر اثبات حکم می‌کند یا نه بستگی به تفسیر ما از قاعده‌ی لاضرر دارد. در تفسیر این قاعده اختلاف نظر وجود دارد که در ذیل به اختصار به نقل آن‌ها می‌پردازیم:

۱- کلمه‌ی «لا» در حدیث لاضرر لای ناهیه است و مفاد حدیث این است که ضرر

زدن به دیگران شرعاً حرام و مستوجب عقوبت است.^(۲۷)

۲- مفاد لاضرر نهی از اضرار به دیگران از باب نهی حکومتی است و نه نهی

تشریحی.^(۲۸) به این معنا که پیامبر اکرم (ص) در مقام حاکم جامعه‌ی اسلامی و

نه در مقام قانونگذار و تشریح از هر گونه ضرر رساندن به دیگران نهی کرده است.

۳- مراد از لاضرر نفی حکم ضرری است.^(۲۹) یعنی، شارع حکمی وضع نمی‌کند که

موجب ضرر به مردم شود.

۴- مفاد قاعده‌ی لاضرر نفی حکم به لسان نفی موضوع است.^(۳۰) یعنی، اگر عناوین

اولیه موضوعاتی که شارع برای آن‌ها حکمی وضع کرده است موجب ضرر

گردد، حکم آن‌ها منتفی می‌شود. به عنوان مثال، حکم اولیه‌ی عقد بیع لازم

است. اگر بیعی موجب ضرر شود حکم لزوم بر آن مترتب نمی‌شود.

۵- مراد از قاعده‌ی لاضرر نفی ضرر جبران نشده است.^(۳۱) ضرر جبران نشده در

اسلام وجود ندارد و در نتیجه، هر کس موجب اضرار به دیگری شود باید آن

را جبران کند.

در بررسی نظرهای مذکور در فوق می‌توان گفت از آن جا که حدیث لاضرر یک

جمله‌ی اسمیه است و در جمله‌ی اسمیه معنای لا، نفی است نه نهی و تا زمانی که

استعمال حقیقی ممکن باشد نباید معنای مجازی را گرفت، قاعده‌ی لاضرر دلالت بر نهی ندارد در نتیجه، دو نظر اول که مبتنی بر معنای نهی بوده است، صحیح نمی‌باشد. نظریه‌ی ضرر جبران نشده نیز درست نیست. زیرا، چنان که برخی مؤلفان^(۳۲) نوشته‌اند «لا» در حدیث لاضرر به معنای نفی است که در معنای حقیقی استعمال شده است و این سخن وقتی درست است که ضرر در خارج حقیقتاً از طرف ضررزنندگان تدارک شده باشد، تا آنگاه بگوییم ضرر غیرمتدارک در خارج نیست. نه این که از حکم شارع به وجوب تدارک ضرر نتیجه بگیریم که در خارج ضرر غیر متدارک نیست.

نظریه‌ی نفی حکم ضرری فارغ از اشکال‌های مذکور در فوق است. اما در صورتی می‌تواند موجب اثبات ضمان گردد که قاعده‌ی لاضرر شامل امور عدمی نیز بشود. چنان که برخی فقیهان^(۳۳) و مؤلفان حقوقی^(۳۴) نوشته‌اند وقتی عدم تشریح احکام ضرری بر شارع واجب باشد جعل احکامی که از عدم آنها احکام ضرری به وجود می‌آید، نیز واجب می‌شود. زیرا، عدم حکم به ضرر مستلزم وجود حکم موجب ضرر است. وقتی با تحقق خسارت معنوی حکمی برای جبران آن وجود نداشته باشد معنایش این است که مراجعه‌ی زیان دیده به عامل زیان جهت مطالبه‌ی ضرر حرام است. یعنی، عدم حکم مستلزم حرمت مراجعه و مطالبه‌ی خسارت است که به نوبه‌ی خود این حرمت مراجعه، حکم وجودی می‌باشد. این امر وجودی مستلزم ضرر است و چنین حکمی در شرع مقدس نفی گردیده است. بنابراین، لازمه‌ی نفی حرمت مراجعه و مطالبه‌ی خسارت این است که اجازه‌ی جبران ضرر وارده داده شود.

نتیجه‌گیری

مطالبه‌ی خسارت معنوی در حقوق ایران قبل از پیروزی انقلاب جایز بوده و در قوانین مختلفی مانند قانون مجازات عمومی، قانون صدور چک، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مسئولیت مدنی به لزوم جبران آن تصریح شده بود. لیکن بعد از پیروزی انقلاب این امر محل تردید واقع شد. کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی سابق، مطالبه‌ی زیان معنوی را فاقد مجوز شرعی اعلام کرد. شورای نگهبان هنگام بررسی قانون مطبوعات ۱۳۶۴ تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۳۰ قانون

مزبور را که جبران مادی خسارت معنوی را پیش‌بینی کرده بود مغایر موازین شرعی دانست.

از طرفی، اصل ۱۷۱ قانون اساسی خسارت معنوی را قابل مطالبه اعلام کرد و از طرف شورای نگهبان نظریه‌ی تفسیری در خصوص این اصل که ضرر معنوی را قابل مطالبه نداند وجود ندارد. اداره‌ی حقوقی دادگستری نیز در رأی مشورتی خود مطالبه‌ی ضرر و زیان معنوی را قانونی دانست. دادگاه‌ها نیز در موارد مختلف به لزوم جبران خسارت معنوی رأی داده‌اند. از قاعده‌ی لاضرر نیز می‌توان به لزوم جبران چنین خسارتی حکم کرد. قوانین مصوب قبل از انقلاب نیز که مطالبه‌ی خسارت معنوی را جایز می‌دانند با توجه به این که مغایرت آن‌ها با موازین شرعی از سوی شورای نگهبان اعلام نشده است همچنان به اعتبار خود باقی هستند. از ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ که جایگزین ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق شده و هیچ اشاره‌ای به قابل جبران بودن خسارت معنوی نکرده است، نمی‌توان نسخ قانون مسؤولیت مدنی را استفاده کرد. چون ممکن است قصد قانونگذار این بوده باشد که با وجود قانون مسؤولیت مدنی که قانون ماهوی است، نیازی به ذکر آن در قانون آیین دادرسی کیفری که یک قانون شکلی است، نیست.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- عبدالحمید ابوالحمد، تحولات حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۹.
- ۲- محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۲۶۲.
- ۳- مهدی شهیدی، جزوه‌ی درسی مسؤولیت مدنی، دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال دوم ۶۶-۶۷، ص ۴۷-۴۸.
- ۴- سیدحسین صفایی، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، مرکز تحقیقات، ۱۳۵۵، ص ۲۴۰.
- ۵- محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۶۲.
- ۶- مهدی شهیدی، همان.
- ۷- سید حسین صفایی، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی، مؤسسه‌ی عالی حسابداری، جلد دوم، ۱۳۵۱، ص ۵۵۱.
- ۸- ماده‌ی ۲۲۱ مکرر قانون مجازات عمومی: «هر کس مرتکب یکی از جرم‌های مذکور در ماده‌ی ۲۰۷، ۲۰۸ مکرر و ۲۰۹ گردد علاوه بر مجازات مقرر، به تأدیه خسارت معنوی مجنی‌علیه که در هر حال کمتر از ۵۰۰ ریال خواهد بود، محکوم می‌شود.»
- ۹- ماده‌ی ۱۳ قانون صدور چک ۱۳۵۵: «... دارنده می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده است... علاوه بر مجازات مقرر در ماده‌ی ۶ این قانون به پرداخت وجه چک به عنوان خسارت معنوی شاکی... محکوم خواهد شد.»
- ۱۰- میشل لورراسا، مسؤولیت مدنی، ترجمه‌ی محمد اشتیری، نشر حقوقدان، ص ۱۰۷.
- ۱۱- ناصر کاتوزیان، ضمان قهری و مسؤولیت مدنی، دانشگاه تهران، ص ۱۴۹.
- ۱۲- دادنامه‌ی شماره‌ی ۲۷۷ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۸ پرونده‌ی کلاسه‌ی ۱۶۲۱/۳/۷۶.
- ۱۳- میشل لورراسا، همان، ص ۱۰۷.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- همان.
- ۱۷- پرسش و پاسخ از کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی، جلد اول، ۱۳۶۳، ص ۳۹۱.

۴۵..... پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی سال سوّم / شماره‌ی نهم و دهم / سال ۸۲

۱۸- به نقل از حسین مهرپور، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، اطلاعات، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۳۱.

۱۹- عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، جلد اول، امیرکبیر، تهران، ص ۶۶.

۲۰- حسین مهرپور، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، اطلاعات، تهران، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۲۱- مهدی شهیدی، حقوق مدنی (آثار قراردادهای و تعهدات)، جلد ۳، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲، ص ۷۲-۷۳.

۲۲- نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۵۹۴۷ - ۶۵/۱۰/۳۰.

۲۳- دادنامه‌ی شماره‌ی ۲۵۱ - ۱۳۶۳/۲/۱۰. به نقل از محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۱۲.

۲۴- دادنامه‌ی شماره‌ی ۲۷۷ مورخ ۷۷/۳/۱۸ در پرونده‌ی کلاسه‌ی ۱۶۲۱/۳/۷۶.

۲۵- منیه الطالب، جلد دوم، ص ۱۹۹. «ان الضرر عبارة عن فوت ما يجده الانسان من نفسه و عرضه و ماله و جوارحه. فاذا.. هتك عرضه بالاختیار او بدونه يقال انه تضرر به»

۲۶- آخوند خراسانی، کفایه الاصول، جلد ۲، کتابفروشی اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۶، ص ۲۶۶.

۲۷- ناصر مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، جلد اول، ۱۳۸۲ هـ ق، ص ۴۹، «فقد كل ما نجد و ننتفع به مواهب الحياه من نفس او مال و عرض او غير ذلك.»

۲۸- شیخ الشریعه اصفهانی، مسأله‌ی لاضرر، چاپ قم، ص ۲۵.

۲۹- روح‌الله موسوی خمینی، الرسائل، جلد اول، اسماعیلیان، قم، ص ۵۰.

۳۰- شیخ مرتضی انصاری، رسائل، اسماعیلیان، قم، ص ۳۷۳؛ محمدعلی توحیدی، مصباح الفقاهه (تقریرات درس سیدابوالقاسم خویی)، جلد سوم، وجدانی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۲۰۴؛ حبیب‌الله رشتی، فقه الامامیه، مکتبه‌الداوری، جلد اول، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق. ص ۱۵۶.

۳۱- محمدکاظم آخوندخراسانی، کفایه الاصول، جلد دوم، کتابفروشی اسلامی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۶۵.

۳۲- ملا احمد نراقی، عوائد الایام، عائده چهارم، بصیرتی، قم، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۸.

جبران خسارت معنوی در حقوق ایران ۴۶

۳۳- محمدتقی الفقیه، قواعد الفقیه، دارالاضواء، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۰۷ ق.، ص ۱۹۳؛
مصطفی محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی، اندیشه‌های نو در علوم اسلامی،

چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱.

۳۴- شیخ مرتضی انصاری، همان، ص ۳۷۳.

۳۵- ابوالحسن محمدی، قواعد فقه، چاپ اول، یلدا، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۸۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

الف - کتاب‌ها

- ۱- آخوند خراسانی، محمدکاظم: *کفایه الاصول*، جلد دوم، کتابفروشی اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۶.
- ۲- ابوالحمد، عبدالحمید: *تحولات حقوق خصوصی*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۹.
- ۳- انصاری، شیخ مرتضی: *الرسائل*، اسماعیلیان، قم، بی‌تا.
- ۴- انصاری، شیخ مرتضی: *مکاسب یک جلدی*، اطلاعات، چاپ دوم، تبریز، ۱۳۷۵ ق.
- ۵- اصفهانی، شیخ الشریعه: *مسأله لاضرر*، چاپ قم، بی‌تا.
- ۶- الفقیه، محمدتقی: *قواعد الفقهیه*، دارالاضواء، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۰۷.
- ۷- پرسش و پاسخ از کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی، جلد اول، ۱۳۶۳.
- ۸- توحیدی، محمدعلی: *مصباح الفقاهه* (تقریرات درس سیدابوالقاسم خویی)، جلد سوم، وجدانی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ق.
- ۹- جعفری لنگرودی، محمدجعفر: *ترمینولوژی حقوق*، گنج دانش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۰- خوانساری، موسی: *منیه الطالب* (تقریرات درس میرزای نایینی)، چاپخانه‌ی حیدری، جلد دوم، بی‌تا.
- ۱۱- شهیدی، مهدی: *جزوه‌ی مسؤولیت مدنی*، دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال دوم ۱۳۶۶-۶۷.
- ۱۲- شهیدی، مهدی: *حقوق مدنی (آثار قراردادهای و تعهدات)*، جلد سوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، تهران، بی‌تا.
- ۱۳- صفایی، سیدحسین: *دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی*، مؤسسه‌ی عالی حسابداری، جلد دوم، تهران، ۱۳۵۱.
- ۱۴- صفایی سیدحسین: *مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی*، مرکز تحقیقات، تهران، ۱۳۵۵.
- ۱۵- عمید زنجانی، عباسعلی: *فقه سیاسی*، جلد اول، امیرکبیر، تهران، بی‌تا.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر: *ضمان قهری و مسؤولیت مدنی*، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

جبران خسارت معنوی در حقوق ایران ۴۸

۱۷- لوراسا، میشل: *مسئولیت مدنی*، ترجمه‌ی محمد اشتری، نشر حقوقدان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.

۱۸- محقق داماد، سیدمصطفی: *قواعد فقه (بخش مدنی)*، اندیشه‌های نو در علوم اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰.

۱۹- محمدی، ابوالحسن: *قواعد فقه*، یلدا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.

۲۰- مکارم شیرازی، ناصر: *القواعد الفقهیه*، جلد اول، ۱۳۸۲ ق.

۲۱- موسوی خمینی، روح الله: *الرسائل*، جلد اول.

۲۲- مهرپور، حسین: *دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی*، اطلاعات، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.

۲۳- نراقی، ملا احمد: *عوائد الایام*، عائده چهارم، بصیرتی، قم، ۱۴۰۸ ق.

ب- قوانین

- ۱- قانون اساسی
- ۲- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)
- ۳- قانون مسئولیت مدنی
- ۴- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸
- ۵- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی